

۰۷۶ - حمل به صحت - خوش نیت بودن - منفی بافی

داستان شماره ۱:

کیک بهشتی مادر بزرگ

پسر کوچکی برای مادر بزرگش توضیح می دهد که چگونه همه ی چیزها ایراد دارند: مدرسه، خانواده، دوستان، درسهای زیاد، معلم،... در این هنگام مادر بزرگ که مشغول پختن کیک است، از پسر کوچولو می پرسد: که آیا کیک دوست دارد و پاسخ پسر کوچولو البته مثبت است. بعد می پرسد: آیا روغن دوست داری؟ پسر می گوید نه، مادر بزرگ می پرسد: دو تا تخم مرغ چی؟ پسر کوچولو در جواب می گوید: نه مادر بزرگ. اینبار مادر بزرگ که کار پختن کیک را تمام کرده بود از پسر کوچولو سؤال می کند که آرد چطور، از آرد خورشت می آید؟ جوش شیرین دوست داری؟ پسر کوچولو که خیلی از سؤالات مادر بزرگ تعجب کرده بود جواب داد: نه مادر بزرگ حالم از آنها به هم می خورد. مادر بزرگ در حالی که کیک را روی میز قرار می داد رو به پسر کوچولو کرد و گفت: بله، همه ی این چیزها، به تنهایی بد به نظر می رسند، اما وقتی به درستی با هم مخلوط شوند، یک کیک خوشمزه درست می شود. خداوند هم به همین ترتیب عمل می کند. خیلی از اوقات تعجب می کنیم که چرا خداوند باید بگذارد ما چنین دوران سختی را بگذرانیم، اما او می داند که وقتی خیلی از این سختیها را به درستی در کنار هم قرار دهد، نتیجه، همیشه خوب است. ما تنها باید به او اعتماد کنیم، در نهایت همه ی این پیشامدها با هم به یک نتیجه فوق العاده می رسند.